

گفتمان توحیدی، پایان تعارض علوم انسانی و معرفت دینی

دکتر علیرضا آقاحسینی (استاد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان)

بدون تردید رمز ماندگاری یک جامعه پویا وجود دانشگاه‌های فعال، زنده و بهجت زاست. همراهی و همدلی دانش و دانشگاه از یک سو و قدرت و حکومت از سوی دیگر می‌تواند پویایی و نشاط جمعی یک جامعه را رقم زند. چنانچه در بسیاری از دوره‌های گذشته همراهی دانش و قدرت سیاسی موجب زایش تمدنی در ایران شده است. این موضوع هم در گذشته کشور ما و هم در حوزه‌های تمدنی دیگر بی سابقه نیست، اما متأسفانه علوم انسانی در جامعه امروزی ما نه تنها این چنین نیست بلکه عادت جریان روشنفکری - دانشگاهی موجود حاکی از مخالفت، تعارض و تضاد حوزه علوم انسانی با گفتمان مسلط اسلامی در جامعه دینی - اسلامی معاصر است. این مقال کنکاش در باب چرایی معضل فوق و چنانچه بتواند ارائه راهکارهایی را در دو قسمت دنبال می‌کند؛ ابتدا جایگاه علم و دانش در اندیشه دینی - اسلامی بررسی خواهد شد و سپس بسترهای تعارض علوم انسانی با بینش دینی و تلاش‌های رهبران نظام برای رفع این تعارض مورد توجه قرار خواهد گرفت.

الف) دانش و گفتمان توحیدی

در گفتمان توحیدی، دانش جایگاه شایسته‌ای را به خود اختصاص داده است تا آنجا که در یکی از آیات قرآن کریم فلسفه خلقت بشر هیچ‌گاه به برتری جویی‌های قومی و ملی تقلیل نیافته است، بلکه بر عکس انسان‌ها از جنس زن و مرد آفریده و در قالب شعبه‌ها و قبیله‌های متنوع آراسته شده‌اند تا به یمن و برکت این تمایزها، در همکاری و همراهی با یکدیگر دانش و معرفت خویش را رشد و گسترش دهند. بدون تردید «معرفت» مورد اشاره قرآن کریم معرفت مطلق است که در ذیل خود، «دانش» به معنای جدید کلمه را هم شامل می‌شود^(۱)

در آیه‌هایی دیگر قرآن کریم بندگانی را مورد بشارت قرار می‌دهد که در برابر آرا و اندیشه‌ها «قدرت» تشخیص دارند و می‌توانند بهترین‌ها را گزینش نمایند.^(۲) چنانکه پیداست در این فراز نیز قدسیت دین یکسره موجودیت فکر و اندیشه را به خود جلب و جذب کرده است آنچنان که هیچ‌گونه دوگانه‌انگاری دین و اندیشه امکان پذیر نیست. به بیان دیگر در گفتمان توحیدی دانش و پژوهش صیغه‌ای و حیاتی دارند و تار و پود آن دو به وسیله توحید اشباع شده است.

واقع مطلب آن که در روزگاران عزت اسلام این دو آیه در تأیید و حمایت یکدیگر بوده‌اند. چه آنجا که فلسفه خلقت انسان هم افزایی آدمیان برای «تولید معرفت» بوده است و چه آنجا که «بندگان» با بصیرت خداوند مورد تفقد ذات الهی قرار گرفته و به خاطر بندگی خویش «بهترین قول‌ها» را گزینش کرده‌اند. در سبیده دم ظهور اسلام عزیز خداوند متعال از اراده تعیین کننده و مشیت بالغه خود غایت هدفمند جامعه بشری را تضارب آرا و افکار و بالطبع رشد معرفت می‌خواند؛ بنابراین در نگاه قرآنی، خداوند متعال انسان‌ها را از زن و مرد، شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار نداد تا جامعه بشری، جامعه‌ای یله و رها باشد، بلکه گفتمان توحیدی ظرفیت‌هایی را به انسان‌های مختار آزاد مرحمت نمود که طی آن بتوانند ظرفیت‌های معرفتی خود را در نسبت و تعامل با همدیگر رشد دهند. همین مطلب در سبیده دم ظهور اسلام در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر هم آمده است آنجا که گفتمان توحیدی بر دو خصیصه «بندگی» از یک سو و «قدرت تشخیص» از سوی دیگر تأکید می‌کند.

با اطمینان بالا باید گفت آنجا که گفتمان توحیدی به معنای اصیل آن حاکم

می‌شود، اندیشه‌های باطل به هیچ‌رو نخواهند توانست قدسیت اندیشه دینی را تضعیف نمایند.

بنابراین قرآن کریم کلیت معرفت دینی را مورد توجه قرار می‌دهد به این معنا که گفتمان دینی اصالت یافته است. در گفتمان دینی، دانش و قدرت در خدمت یکدیگرند و حیات سعادت‌مندان همگان را مورد توجه قرار می‌دهند. در این نگاه جامعه دینی به سمت و سوی تعالی جویی ره می‌پوید، به گونه‌ای که حیات طیبه میسر شود.

تنها در روزگار جدید است که از بنیاد، تعارضی میان دین و دانش در گرفته، دین از گردونه دانش بیرون رفته و حاشیه نشین شده است که به این موضوع در ذیل پرداخته می‌شود. قسمت دوم این مقال باید نشان دهد که چرا علوم انسانی به معنای مدرن نسبتی با اندیشه و حیاتی ندارد. پا به پای ایجاد و گسترش جنبه‌های ایجابی تفکر توحیدی لازم است جنبه‌های سلبی را نیز مورد توجه قرار داد.

ب) تعارض علوم انسانی با اندیشه دینی

بی‌جهت نخواهد بود چنانچه ادعا شود که ظهور انقلاب اسلامی اولین بارقه‌های خودباوری و خوداعتمادی را در دوران جدید شکل بخشیده است. این روح خودباوری و خوداعتمادی را احیاگر عصر حاضر امام خمینی^(۳) در جامعه انسانی دیدم. حضرت امام^(۴) اولین شخصیت احیاگری بود که فضای گفتمانی «ما می‌توانیم» را با همه وجود فریاد کرد، به کار بست، معماری انقلاب را به دست گرفت و آن را تثبیت کرد. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، استعمارگران غربی روح خودباختگی، خود انکاری و خودفراموشی را در ارکان هویتی شرق نهادینه کرده بودند. در اندیشه استعمارگران غربی، شرق و جوامع اسلامی شرق، از جمله ایران به عنوان بخش انضمامی غرب شمرده می‌شد. ناتوانی، بی‌فروغی و خمودگی، مؤلفه‌های گفتمان حاکم در سرزمین‌های شرقی به حساب می‌آمدند. دانشگاه‌ها، دانشسراها و پژوهشگاه‌های علوم انسانی همگی تحت تأثیر نگاه‌های انسان‌مدارانه غربی بودند که حاصل آن درجا زدن و ناتوانی در تمام عرصه‌ها بود.

در طول یک دهه، امام^(۵) با رهبری داهیانه خود زنجیره‌های بندگی و اسارت

در دیدارهای مختلف دانشجویان، اساتید و رؤسای دانشگاهها با ایشان همواره به اساتیدی که خواهند پایه های ایمان دینی جوانان را سست نمایند هشدار داده اند. به عنوان نمونه، ایشان در بخشی از دیدگاه های خود راجع به دانشگاه اسلامی، قدرت علمی و بین المللی در جمع دانشجویان امام صادق می فرماید: البته همان طور که گفتم اساتیدی هستند که فرآورده های اندیشه های غربی در علوم انسانی بت آن هاست. در مقابل خدا می گویند سجده نکنید اما در مقابل بت ها به راحتی سجده می نمایند. بنده به این افراد هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد وجودش نافع نیست مضر است.

نتیجه

در عصر حاضر، وجود توأمان اقدامات ایجابی و اقدامات سلبی می تواند ضامن شکل گیری گفتمان توحیدی باشد. تنها در چنین فضایی است که می توان به تدریج به تعارض علوم انسانی با دین پایان داد و دانش و دانشمندان از تعارض خارج شده همکاری صمیمانه خود با حاکمیت دینی را آغاز کنند. در اندیشه والای دینی و اسلامی جایگاه علم و پژوهش آنچنان بالاست که قرآن کریم فلسفه وجودی خلقت را تعاون و همکاری آحاد جامعه به منظور رشد و گسترش «معرفت» معرفی می نماید. این نگاه در اندیشه والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و بالطبع حرکت های ایجابی ایشان به منظور ایجاد بستر گفتمان توحیدی دانش به خوبی خود را نشان می دهد و پس از گذشت سه دهه از عمر پر برکت انقلاب اسلامی و دو دهه رهبری های حکیمانه مقام عظمای ولایت امروز چشم اندازهای حوزه تمدن توحیدی به خوبی پیداست. البته نانوشتی نماند که اردوگاه استکباری و دنباله روهای داخلی آن ها از ظهور این تمدن به هیچ رو راضی نیستند. وجود جریان های سیاسی محدود که متأسفانه دانشگاه ها و مراکز آموزشی را جولانگاه اندیشه های اباحی گرانه خود قرار داده اند خود دلالتی روشن بر جدی بودن جنگ و جدال میان گفتمان توحیدی اسلام و گفتمان شرک آلود و شیطانی غرب دارد. اینجاست که مجموعه سخنان حکیمانه حضرت امام^(ع) و مجموعه دیدگاه ها

در سی سال گذشته تغییرات تدریجی، در مسیر اسلامی شدن دانشگاه ها صورت گرفته است که حاصل مراقبت های فکری رهبری انقلاب و پژوهشگران متعهد بوده است. با همه این اوصاف، آنچه انجام شده است هنوز رضایت بخش نیست و حاکی از آن است همه نوزایی خود در برابر گفتمان شیطانی غرب قرار دارد.

ملت ایران را گسست و با بینشی صدرایی رشته های حکمت، فلسفه، کلام و فقه را در عمل به یکدیگر آمیخت و شکست ناپذیری انقلاب را پی ریخت. همین نگاه را مقام معظم رهبری (دام ظلّه) طی بیش از دو دهه با قوت پیگیری کرده اند هر چند که متأسفانه نگاه «توسعه محور» دولت های سازندگی و اصلاحات به همان مسیر غلط پیش از انقلاب بازگشت.

با همه این خون دل خوردن ها، تحمل مرارت ها و سختی کشیدن های رهبران انقلاب، حوزه علوم انسانی و بخشی از مدیران اجرایی کشور متأسفانه همانند سایر حوزه های داخلی تن به تحول بنیادین ندارند. اندیشه های اباحی گرانه غربی در طول بیش از یکصد و پنجاه سال در جان و جسم روشنفکران و غرب مداران آنچنان رخنه کرده بود که یک یا چند دهه برای حاکم سازی گفتمان توحیدی دانش کافی نبود. البته گفتن ندارد که در طول سی سال گذشته تغییرات تدریجی، در مسیر اسلامی شدن دانشگاه ها صورت گرفته است که حاصل مراقبت های فکری رهبری انقلاب و پژوهشگران متعهد بوده است. با همه این اوصاف، آنچه انجام شده است هنوز رضایت بخش نیست و حاکی از آن است که گفتمان توحیدی دانش با همه نوزایی خود در برابر گفتمان شیطانی غرب قرار دارد، یعنی گفتمانی که با همه موجودیت خود از دنباله روهای خویش در مراکز علمی - فرهنگی کشور حمایت می نماید و لذا تعارض علوم انسانی با حاکمیت دینی هنوز ادامه دارد.

میان کارزار این دو گفتمان است که می بایست میان آنچه در مدینه النبی در عصر پیامبر اکرم^(ص) رقم خورد و آنچه در دمام انقلاب شکوهمند اسلامی ایران انجام شد، مقایسه ای صورت گیرد. در وضعیت استقرار پیامبر اکرم^(ص) در مدینه النبی آنچنان گفتمان توحیدی در ارکان مدینه جاگیر شده بود که پیامبر اکرم^(ص) معارض و معاندی جدی در برابر اندیشه والای خود ندید. زیرا دانش و قدرت دست در دست هم بنیادهای گفتمان توحیدی را شکل داده بودند. اما در دوران کنونی با رخنه، جاگیری و پاگیری شیطانت مدرن

غربی ایجاد بستر مطلوب برای زایش علوم اسلامی به معنای اصیل چندان آسان نبود و دانش و قدرت به راحتی دست در دست هم نگذاشتند. با همه این اوصاف، در طول سی سال گذشته رهبران انقلاب اسلامی همواره در تلاش بوده اند تا حوزه های فکری - فرهنگی جامعه را در کلیت گفتمان توحیدی مستغرق نمایند. تمامی تلاش های حضرت امام^(ع) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) پیرامون دو جنبه از گفتمان توحیدی به چرخش درآمده است: ۱- اقدامات ایجابی - ۲- اقدامات سلبی.

اقدامات ایجابی حضرت امام^(ع) همان شرح، بسط و رمز گشایی از توحید و مؤلفه های مختلف آن بوده است؛ به گونه ای که آن مؤلفه ها ضامن سعادت و پیشرفت آحاد ملت باشد. مجموعه «صحیفه امام» - به ویژه وصیت نامه سیاسی الهی ایشان - خود گواه صادقی بر این مدعاست. در بُعد سلبی نیز معظم له کرارا تأکید کرده اند که ملت بزرگ ایران در تمام اشکال و اصناف حامی ولایت فقیه باشند تا تعرضی به جمهوری اسلامی ایران نشود. تا آنجا که موضوع به دانشگاهها مربوط می شود بارها و بارها جوانان دانشگاهی، مدیران و استادان مستعد را در عصر حاضر و تمام اعصار مورد خطاب قرار داده و به جد از آن ها خواسته اند که دانشگاه ها را از انحراف، غرب زدگی و شرق زدگی محفوظ دارند.

همین سبک و سیاق ایجابی و سلبی در نگاه مقام معظم رهبری نیز خود را به خوبی نشان می دهد. گو اینکه معظم له اولویت راهبردی را بر تلاش های ایجابی همانند «نقشه راه پنجاه ساله»، «گسترش اندیشه های راهبردی» و «نقشه جامع علمی کشور» با مشارکت همه نخبگان و آحاد ملت گذارده اند، لیکن از اقدامات سلبی نیز در جایگاه خود دفاع کرده اند. مقام معظم رهبری

و منویات مقام معظم رهبری در خصوص دانشگاه ها می بایست نصب العین مسئولان، جوانان دانشگاهی و ملت شریف ایران قرار گیرد.

عمده ترین راهکاری که این مقال بر آن تأکید می ورزد پرهیز رؤسای دانشگاه ها، دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری، جوانان دانشگاهی و استادان بسیجی دانشگاهها از تأویل صحیفه امام، وصیت نامه سیاسی - الهی ایشان و دیدگاه های بصیرت زای مقام معظم رهبری (دام ظلّه) است؛ زیرا این نگاهها آنچنان شفاف و روشن و خود بیانگرند که کمتر کسی را توان تأویل و تفسیر آنهاست. به بیان ساده باید گفت اجتهاد در برابر نص صریح و سخنان آن ها راه به جایی نخواهد برد. آن دیدگاه ها را باید به جد به اندیشه گرفت و هشدارها را به دیده اعتبار در چشم انداز اصیل خود قرار داد. تنها با پدیداری گفتمان توحیدی است که می توان شاهد پایان تعارض علوم انسانی و معرفت دینی بود. با پایان چنین تعارضی دانش و حاکمیت در کنار هم قرار می گیرند و بسترهای پویایی، رشد و تعالی و حرکت به سوی حیات طیبه فراهم خواهد شد. تا زمانی که این همراهی و همقدمی دانش و معرفت و حاکمیت دینی تحقق نیافته است، مسؤولان دستگاه های فرهنگی و اجرایی کشور می بایست به جدیت تمام مجموعه اقدامات پیشنهادی حضرت امام^(ع) و مقام عظمای ولایت را در جنبه های ایجابی و سلبی مورد توجه قرار دهند.

۱ - یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم (حجرات/۱۳)

۲ - فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه (زمر/۱۷ و ۱۸)